

حمید ضرابی

(مدیر مسئول و سردبیر)

info@ashian.ca



ما و صلح جهانی

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

یک فرد عادی اجتماع باشیم، یا فردی نیرومند. مهم این است که ما چقدر از قدرت خود سوء استفاده می‌کنیم. از کجا معلوم که به تناسب قدرتی که داریم-در گفتار و کردار بیشتر از هتلر ظلم نکرده باشیم! مگر نه این است که هرکسی به اندازه‌ی قدرت و صلاحیت و توان مالی و فیزیکی که دارد در برابر خدای طبیعت، وجدان انسانی، اجتماع و یا هر منبع و مرجعی که شما بدان معتقدید، پاسخ گواست؟

اما نکته‌ی جالب اینجاست که همه‌ی این پدیده‌های زشت و نا مطلوب در زمانی اتفاق می‌افتد که انسان بیش از هر زمانی دیگر لباس فاخر «تمدن و فرهنگ» را بر تن دارد و با شهپر علم و دانش تا اوج آسمانها راه یافته است. بیش از هر زمانی از مقوله‌های دلفریب و جذابی چون «حقوق بشر»، «برابری و دموکراسی»، «انسان گرایی»، «حقوق ذاتی انسان ها»، «نفی تبعیض در همه‌ی انواع آن»، «روشنفکری»، «عقلانیت»، «مدرنیته و اخلاق مدرن»، «تساهل و مدارا» و غیره دم می‌زند و در عین حال با کمال تأسف بیشتر از هر زمانی به همه‌ی آنها پشت زده است.

شاید ما انسان‌ها این مقوله‌ها را بیشتر به این دلیل می‌پسندیم که دیگران در حق ما نسبت به آنها التزام داشته باشند و ما مختار باشیم! دیگران حقوق ما را رعایت کنند (حقوق اربابی ما را) لکن ما ملزم نیستیم به حقوق رعایا و قعی بگذاریم. دیگران با ما از در تساهل و مدارا پیش بیایند ولی ما ملزم نیستیم با آنها تساهل داشته باشیم!!

به هر حال اکنون که در آستانه‌ی روز جهانی «صلح» قرار داریم، آرزو می‌کنم، سرانجام روزی فرا رسد که ما انسان‌ها به آن درجه‌ی کرامت انسانی برسیم که «تاج کرمناک» را مصادق باشیم و بر خصم «برون» و «درون» هر دو فایق آییم؛ چه در آن صورت است که جهان ما به صلح و آرامش واقعی خواهد رسید.

ای شهان کشتیم ما خصم برون
ماند خصمی زو بتر در اندرون
چونک جزو دوزخست این نفس ما
طبع کل دارد همی شسته جزو ها
این قدم حق را بود کورا کشد
غیر حق کی کمان او کشد؟

آشیا تان همیشه سرسبز و آباد باد!

اسد ۱۳۸۴/اگست ۲۰۰۵ - تورنتو

نمی دانم فرزندان جهان یا خیرخواهان بشریت وقتی روزی را به عنوان روز «صلح» می‌نامیدند، چه امیدهایی داشتند. اما نیک می‌دانم که این امید هیچ روز نه‌ای فرا روی انسان معاصر نگشود و این آرزو همچنان آرزو باقی ماند. شاید این گونه تعبیرها، مقوله‌های نمادین اند و کلیشه‌ای، نه آرزوهایی که قابلیت تبدیل به واقعیت را داشته باشند. البته این نام گذاریها، صرف نظر از این که دستاوردی واقعی و عینی برای جامعه‌ی بشری داشته‌اند یا نه، می‌توانند بیانگر این حقیقت باشند که انسان در عمق نهادش آرزومند «صلح» است و از خشونت متنفر. انسان‌های «نوع دوست و دیگر دوست» و «صلح طلب» از این همه فساد در روی زمین خون در دل و اشک در چشم دارند و از این همه جنایتی که انسان در حق انسان هم نوعش روا می‌دارد سسخت، دل‌گرفته‌اند.

چهره‌ی دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم امروز شاید بیش از هر زمانی تیره و تارتر شده باشد. لایه‌های سیاه کینه و جنگ و عناد بر سیمای دنیای ما سایه‌ی شوم افکنده است. هر روزی را که به شب و هر شبی را که به صبح می‌رسانیم باز به تیرگی و سیاهی دنیای ما افزوده می‌شود. امواج پر تلاطم خشونت و جنایت سراسر عالم را فراگرفته و گوشه‌ای نیست که از این توفان بلا در امان باشد. بازار ظلم، بی‌عدالتی، ضعیف کشی در همه جا در قالب‌ها و اشکال مختلف گرم است. رهبران پر داعیه‌ی دنیا که خود را منادیان صلح و دموکراسی در جهان می‌دانند، نسبت به حقوق دیگر کشورها و ملت‌ها، آشکارا مرتکب تجاوز می‌شوند؛ البته به نام آزادی و اشاعه‌ی دموکراسی! کافی است تنها به آماری که در بمباران اتمی هیروشیما و ناگاساکی توسط بزرگ‌ترین داعیه‌دار حقوق بشر و دموکراسی-که اکنون در آستانه‌ی سالگرد آن قرار داریم- نظر بیندازیم؛ ۶۶ هزار نفر در آن واحد، ۱۴۰ هزار نفر به دنبال آن و هزاران تن دیگر در اثر عوارض ناشی از آن! و اما دسته‌ای دیگر نیز با ارائه‌ی قرائت‌های افراطی و خشونت آمیز از دین و مذهب، خشونت پیشه ساخته‌اند و مشت‌ی انسان بی‌گناه را از بین می‌برند؛ به این امید واهی و طمع خام که فردای قیامت زود تر از دیگران و بدون حساب‌دهی به بهشت جاودان وارد خواهند شد! چنان که جدیدترین موج این گونه خشونت‌ها را که حاصلی جز بد نام کردن اسلام و مسلمان‌ها ندارد، در چند هفته‌ی گذشته در شهر لندن شاهد بودیم که باعث کشته شدن بیش از ۵۰ نفر انسان بی‌گناه گردید.

صرف نظر از این که ما چه کاره‌ایم و از قدرت چه اندازه بهره‌داریم، به تناسب زور پنجه و قدرت بازو، حقوق از خود ضعیف‌تر را پایمال کرده و می‌کنیم. فرقی نمی‌کند که ما